



گفت و گو

نوید دهقان، نوازنده کمانچه و سرپرست گروه «قمر»:

موسیقی در جامعه ما دچار بحران هویت است

دانلودهای غیرقانونی، شرکت‌های موسیقی را

روبه ورشکستگی برده‌اند

نوید دهقان نوازنده کمانچه، آهنگساز و سرپرست گروه «قمر» است. او در سال ۱۳۸۵ گروه «قمر» را تشکیل داد و به همراه این گروه‌وبه‌ره‌گیری از خوانندگانی چون سیناسرلک، سالار عقیلی، حمیدرضا نوربخش و... به اجرای کنسرت‌های متعددی در داخل و خارج از کشور پرداخته است. گروه «قمر» تا امروز به انتشار آلبوم‌های متعددی نیز پرداخته که «سبز جاودان»، «راه و ماه»، «بیگاه»، «هوای آفتاب»، «یار و دیار»، «وطن» و... برخی از این آثار به شمار می‌روند. با این هنرمند درباره عواملی که می‌تواند در مطرح شدن یک هنرمند در عرصه موسیقی تأثیرگذار باشد و همچنین مشکلاتی که در حال حاضر در این وادی وجود دارد به گفت‌وگو نشستیم.



آزاده صالحی
روزنامه‌نگار

برخی بر این باورند که صرف‌نظر از تلاش و همت شخصی خود هنرمند، عوامل بیرونی دیگری هم در مطرح شدن او نقش دارند، نمونه آن شرکت‌های موسیقی است که فارغ از فعالیت‌های فرهنگی-هنری که ارائه می‌دهند می‌توانند در پررنگ کردن یک هنرمند در فضای هنری تأثیرگذار باشند. نظر شما در این باره چیست؟

من هم قبول دارم که مجموعه‌ای از عوامل در مطرح کردن و به قولی چهره شدن یک هنرمند دخیل است، ولی اگر بخواهیم به این مسأله به شکل ریشه‌ای نگاه کنیم باید اشاره کرد که متأسفانه در کشور ما شرایط موسیقی به گونه‌ای بوده که هیچ‌گاه مجالی برای آموزش دادن به مخاطب نیافته است. درواقع به دلیل اینکه موسیقی در برهه‌هایی از زمان در جامعه، کم‌رنگ بوده‌به‌دلیل شرایط اجتماعی نتوانسته‌رشد داشته‌باشد، آموزش و شناخت هم به همان نسب به این وادی اندک بوده است. می‌توان گفت بخش اعظمی از جامعه به دلیل برخوردار نبودن از آموزش صحیح و فرهنگ‌سازی، موسیقی را به درستی نمی‌شناسند و شناخت‌شان از این وادی سطحی است. موسیقی در جامعه ما همواره دچار بحران هویت بوده و هنوز هم در برخی لایه‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود. در چنین شرایطی اگر یک هنرمند بخواهد در عرصه موسیقی به شهرت برسد، در درجه اول باید خوانندگی تیتراژ سریال در تلویزیون را به‌عهده بگیرد. حالا اینکه هنرمند یا چه سریالی در تلویزیون شروع کند که از شهرت بیشتری نزد مخاطبان برخوردار باشد هم بسته به عواملی است که نقشی تعیین‌کننده در مطرح شدن او دارد؛ چون صداوسیما سال‌هاست به مثابه یک منطقه خودمختار عمل کرده و سازوکار خودش را در زمینه ورود هنرمند جوان برای خوانند تیتراژ سریال‌ها دارد. در این بین نقش برخی از شرکت‌های موسیقی را که تأثیر زیادی در مطرح شدن یک هنرمند دارند، نمی‌توان نادیده گرفت. البته مطرح کردن یک هنرمند به‌ویژه، خواننده جوان و چهره‌از‌سوی یک شرکت موسیقی به هیچ‌وجه بد نیست، اصلاً یکی از وظایف این شرکت‌ها همین است. باید بپذیریم شرکت‌های موسیقی در سال‌های اخیر با مشکلات زیادی به لحاظ مالی مواجه بوده‌اند. به‌ویژه بعد از ورود اینترنت و مساله دانلود غیرقانونی آثار موسیقایی، فعالیت بسیاری از این شرکت‌ها افت کرده و آلبوم‌هایشان به دلیل بروز همین مساله به آن شکلی که باید فروش نمی‌رود. در نتیجه این شرکت‌ها ناچارند برای گذران معاش خود در مسیرهای دیگری به فعالیت ادامه بدهند که یکی از آنها کشف استعدادهای جوان در عرصه موسیقی خاصه، رشته خوانندگی است. مهم‌ترین مشکلی که در حال حاضر در حیطه موسیقی وجود دارد نبود قوانین بازدارنده است. در حالی که در سایر شغل‌ها این قوانین تا حدودی به چشم می‌خورند. به‌عنوان مثال اگر در یک سوپرمارکت، سرقت صورت بگیرد، فرد می‌تواند از سارق شکایت و مساله را پیگیری کند. ولی در حرفه ما اگر فرد یا افرادی اقدام به دانلود غیرقانونی یک اثر موسیقی که هنرمند عمر و پولش را برای آن صرف کرده‌بپردازد، هیچ مرجع قانونی نمی‌تواند در این زمینه پاسخگوی خسارت‌های آن هنرمند باشد.

می‌خواهید بگویید سیاست‌گذاران فرهنگی با ایجاد قوانین بازدارنده می‌توانند مقابل سیاست‌هایی که به دانلود غیرقانونی آثار موسیقایی می‌پردازند بایستند؟

همین‌طوراست، اما مساله اینجاست که عملاً به موسیقی اهمیت داده نمی‌شود. خاطرم هست سال گذشته که در جایگاه آهنگساز برتر موفق به دریافت جایزه «باربد» شدم، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت در این مراسم حضور نیافت و دلیل آورده بود که به خاطر سناحه‌ای که برای آتش‌نشنان پلاسکو به وجود آمده و مراسم حضور نمی‌یابد. درحالی که نه او و نه هیچ‌کدام از مدیران فرهنگی دیگر این نکته را نمی‌دانند که اگر آتش‌نشنان در اثر آن اتفاق درگذشتند، هنرمندان موسیقی در این مملکت روزی هزار بار می‌میرند و زنده می‌شوند.

مساله‌ای که شما در ارتباط با دانلود غیرقانونی آثار موسیقایی عنوان می‌کنید فقط از یک طریق مرتفع خواهد شد؛ آن هم پیوستن ایران به قانون کی‌رایت جهانی است که تا امروز میسر نشده است؟

همین‌طوراست، در حالی که پیوستن ایران به قانون کی‌رایت می‌تواند تا حدود زیادی در بروز آسیب‌هایی از این دست در عرصه موسیقی نقش داشته باشد؛ ولی می‌بینیم نه تنها تا امروز مساله کی‌رایت در کشور ما رعایت نشده که ارگانی مثل صداوسیما هم که باید نمونه یک الگوی فرهنگی باشد، به رعایت کردن این مورد نمی‌پردازد. صداوسیما سال‌هاست بدون اجازه و رعایت حقوق مادی و معنوی هنرمندان، اقدام به بخش آثار آنها از رادیو و تلویزیون می‌کند و اصلاً اعتقادی به رعایت حق مولف ندارد.

برگردیم به نقش شرکت‌های موسیقی. به نظر شما شرکت‌های موسیقی چطور می‌توانند به فعالیت پویا و موثر در حوزه موسیقی بپردازند؟

این مساله فقط با حمایت از سوی دولت محقق می‌شود. اگر سیاست‌گذاران فرهنگی به شرکت‌هایی که خط‌مشی فعالیت‌شان بر کارهای موسیقایی متمرکز است سوبسید بدهند، این شرکت‌ها فقط به فعالیت‌هایی در زمینه تولید آلبوم می‌پردازند و دیگر ناچار نیستند برای گذران معاش خود به راه‌های دیگری مثل مطرح کردن و به شهرت رساندن یک خواننده جوان در بازه زمانی کوتاهی دست بزنند. ولی چنان که اشاره کردم، مدیران فرهنگی در هر دوره‌ای که بر سر کار آمده‌اند، نتوانسته‌اند یا بهتر بگویم نتوانسته‌اند کاری برای اعتلای موسیقی معاصر انجام دهند.

مساله‌ای که گاه باعث رنجش برخی از هنرمندان شده و به این نکته اشاره می‌کنند که خواننده‌محوری در موسیقی ما در حالی باب شده که موسیقی بدون کلام که به یمن حضور هنرمندان این وادی، از کیفیت خوبی هم برخوردار است در انزوا قرار گرفته است، دیدگاه شما نسبت به مساله خواننده‌محوری چیست؟

طبعاً حضور یک خواننده در گروه موسیقی تأثیر زیادی دارد، ولی ناگفته نماند گروه «قمر» هم در این سال‌ها تلاش کرد فقط متکی به آهنگ‌ها و اساساً کلام نباشد؛ بلکه به کیفیت و ارتقای قطعاتی که در این سال‌ها تولید کرده نیز متمرکز باشد. خوشبختانه عملکردهای موفقیت‌آمیزی هم در این زمینه داشته‌است، چندان که برگزاری کنسرت‌های متعدد، انتشار آلبوم‌های مداوم، دریافت جوایزی در حوزه‌های آهنگسازی و توان‌زندی به‌خوبی نشان از این مسئله دارد که گروه «قمر» توانسته در زمینه ارائه موسیقی جدی نقش زیادی داشته باشد. درباره گروه «قمر» هم که در سوا ل به آن اشاره کردید باید بگویم، زمانی که این گروه فعالیت خود را شروع کرد با خوانندگانی چون سینا سرلک و سالار عقیلی همکاری داشت. هر دوی این هنرمندان از خوانندگانی بودند که تازه‌داشتند در عرصه موسیقی اصیل ایرانی شناخته می‌شدند و به اوج می‌رسیدند و بی‌تردید حضور آنها در ارتقای سطح کیفی فعالیت‌های گروه «قمر» تأثیرگذار بوده است.



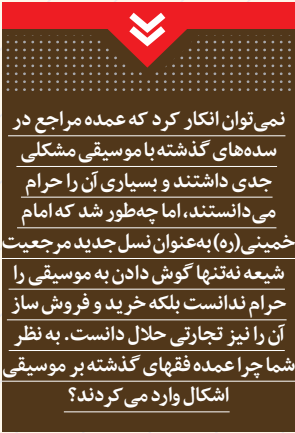
که موسیقی را به‌سمت معنا و هدف‌های متعالی ببرید؛ هدف‌ها فراتر از هدف عیاشی فلان عاشق کذایی که بهمان معشوقه کذایی‌تر را دوست می‌داشته و چون مورد بی‌اعتنایی وی قرار گرفته و دلش شکسته است، می‌خواهد پای فلان ساز بنشیند و در اثر آهنگ و ترانه سوزناک، اشک از فراق بریزد؛ چنین هدفی در استعمال موسیقی ارزشمند نیست.»

رفتم سراغ استفتانات، کم‌نبودند سوالاتی که از تناقض مجوز و شرع می‌پرسیدند: «گوش دادن به نوارهایی که توسط سازمان تبلیغات اسلامی و مجاز اعلام شده‌اند، چه حکمی دارد؟ آیا موسیقی‌هایی که از صداوسیما پخش می‌شوند، همگی حلال‌اند؟» وجه مشترک پاسخ‌ها در این بود: «جواز گوش دادن به نوارها منوط به تشخیص خود مکلف است که اگر تشخیص دهد مشتمل بر غنا و موسیقی لاهی مضل عن سبیل الله و مناسب با مجالس عیش و نوش و خوشگذرانی و همچنین مطالب باطل نیست، گوش دادن به آن اشکال ندارد بنا براین تجویز آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی، صداوسیما یا هر موسسه اسلامی دیگر به تنهایی دلیل شرعی برای مباح بودن آن نیست و به کارگیری آلات موسیقی در موسیقی لاهی مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه جایز نیست، ولی استفاده حلال از آنها برای اهداف عقلایی اشکال ندارد و تشخیص مصادیق هم موقوف به نظر خود مکلف است.» رهبر انقلاب قبل از اینکه این تناقض‌ها عیان‌تر شود در جایی صریحاً اظهار داشتند: «اخیراً در پاسخ به سوال برخی دوستان -آقای لاریجانی و دوستان صداوسیما -گفتم: همه آنچه‌را از صداوسیما پخش می‌شود از حیث بلا اشکال بودن شرعی، تأیید نمی‌کنم. بعضی نواها و اقا‌عا اشکال دارد. مسلماً آهنگ‌هایی که از آرشبو صداوسیما بیرون می‌آید، حرام است. این آهنگ‌ها زمانی که به رسم دربار «هارون الرشید» برای افرادی از خاندان فاسد قاجار و پهلوی، که مقلد هارون الرشید، آن هم نه در کشور گشایی و کشورداری و عرضه و لیاقت، بلکه در عیاشی و زوال‌ت بودند، ساخته شده است. در این آهنگ‌ها و موسیقی‌ها ذره‌ای وجه حلیت نیست؛ اما تا دل‌تان بخواهد، در آن وجه حرمت هست.» این تناقض نشان داد که موسیقی حلال یا حرام، به نظر صداوسیما و سازمان تبلیغات و ارشاد و... نیست. مکلف ماییم که تشخیص دهیم چه بسا موسیقی‌هایی که حرام اندر حرام باشند و از تلویزیون پخش شوند و چه بسا موسیقی‌هایی که حلال بوده و مجوز ندارند. در وزارت ارشاد یکی از ویژگی‌های اخذ مجوز، سبک موسیقی است. «رپ» حرام است، ولو اینکه هیچ غنا، طرب و لاهی در آن نباشد و چه بسا که خواننده در آن مخاطب را به تلاش و کوشش و مبارزه علیه ظلم ترغیب کند، اما چون «رپ» است، بشود زیرزمینی. بیا آنکه خواننده‌ای پاپ‌تالاب به آواز باز کند، چیزی در کمر مان قیفر نمی‌کند می‌گوید یا لا پرخ. اما نه تنها مجاز است و قانونی که استیج‌های مختلف در شبکه‌های گوناگون سیما سلب‌ریتی مورد نظر را بهانه‌ای برای جلب مخاطب کرده است. این جادوگرندیدنی دیوانه‌ام کرده است. اگر جای دوست اجتماعی آن چیخ چیغو بودم، وقتی می‌پرسید مجوز می‌دین، به خودمون می‌فروشنش. تو تلویزیون میارین شون. بازم می‌شه حروم؟ می‌گفتم: بله. بازم ممکنه بشه حروم!

هندزفری یا کنسرت

شما نمی‌خواهید ما شاد باشیم؟

ایستادن پشت درهای سالن باعث شد تا بفهمم مساله هندزفری و کنسرت نیست، همان‌طور که مساله ارشاد و زیرزمینی نیست. مساله اول از همه خود ماییم. ماییم که تعقل و استقلال فکری مان در اولویت است. به ما می‌گویند هر چیزی که باعث تخدیر، اعتیاد و مستی شما شود، حرام است. خواه مواد مخدر باشد، مشروبات یا برخی موسیقی‌ها. معیار حلال بودن چیزی، قانونی بودن آن نیست. هرچند بدیهی است که بسیاری از موسیقی‌ها «قرارفرینند» و کسی نیست که از شنیدن آنها تحریک نشود و حکومتی که دلش برای مردم بسوزد و قصد اعتلای آنها را داشته باشد، وظیفه دارند تا از این موسیقی –که کم هم نیست- جلوگیری کند. حکومت‌های زیادی هستند که اتفاقاً موسیقی‌های تخدیری را ترویج می‌دهند، بودجه‌های کلانی برای سرگرمی می‌گذارند تا مردمان‌شان دیگر کار به معقولات و سیاست نداشته باشند. به قول «اسیدمرتضی آوینی» که در نمازخانه او اردیم: «بشر امروز از تعقل فلسفی و تفکر می‌گریزد و روی به سرگرمی‌هایی می‌آورد که ذاتاً مبرای او تفکر باشد: «فوتبال، جوک، پات، آثاری، سینما و تلویزیون و علی‌الخصوص کارتون!». اما مهم ماییم و فکری است که باید بی‌هیچ مخداری برای خود، جامعه و آینده‌اش ببیند و برای رسیدن به آرمان‌های خودش بجنگد. سخت است رفیق به کنسرتی که هیجان تخلیه‌شده به ما می‌دهد. اما لذت بخشتر از آن رسیدن به قله‌ای است که عمری برای رسیدن به آن تلاش کرده است.



نمی‌توان انکار کرد که عمده مراجع در سده‌های گذشته با موسیقی مشکلی جدی داشتند و بسیاری آن را حرام می‌دانستند، اما چه‌طور شد که امام خمینی (ره) به‌عنوان نسل جدید مرجعیت شیعه نه تنها گوش دادن به موسیقی را حرام ندانست بلکه خرید و فروش ساز آن را نیز تجارتي حلال دانست. به نظر شما چرا عمده فقهای گذشته بر موسیقی اشکال وارد می‌کردند؟

آموزنده و معنادار هم بوده است؛ موسیقی‌ای که برای گوش سپردن به آن، انسان عارف واقف خردمند، می‌تواند بلیت تهیه کند، در سالن اجرای کنسرت بنشیند و ساعتی، از آن لذت ببرد. در غرب موسیقی‌هایی که گاهی یک ملت را نجات داده و گاهی یک مجموعه فکری را به‌سمت صحیح هدایت کرده، کم‌نبوده است. در منطقه‌ای که تاریخ موسیقی ما در آن شکل گرفته است، موسیقی معنای صحیح ندارد. شما باید به آن معنا و مفهوم صحیح بدهید و درواقع باعث نجات آن شوید. حرف من با موسیقیدان‌ها این است

موسیقی مناسب تولید و آموزش داده نشده و این مساله نیز باعث شد تا دانش‌آموخته‌های متخصص و متبحر موسیقی نداشته باشیم. همه این مسائل در کنار یکدیگر تبدیل به یک بحران در جامعه شده است. از آغاز دهه هفتاد، نبود سرگرمی و مطالبه جوانان متولد دهشتصت باعث شد تا حضور انواع گونه‌های موسیقی فراهم شود اما چون اندوخته موسیقایی در کشور وجود نداشت و هنرمندان نتوانمندی داشتند؛ گوش شنیداری جامعه به انحراف کشیده شد. از آن زمان تاکنون جامعه در تلاش برای باز یافت خودش است، به همین دلیل تا ذقّه مدام در حال تغییر است و من فکر می‌کنم امروز مردم با موسیقی‌های تلقیفی را خیلی دوست دارند. مخاطب ایرانی باتوجه به مکان و شرایطی که دارد، موسیقی‌های مختلفی را گوش می‌دهد مثل سایر نقاط دنیا؛ اما در ایران با عدم نشاط روبه‌رو هستیم و این هم یکی از نتایج سوء مدیریت هاست. در چنین وضعیتی گوش می‌دهند. در میهنانی‌ها آهنگ‌های شاد گوش می‌دهند. اما آنچه در خلوت خودشان می‌شنوند قابل‌پیش‌بینی نیست. آدم‌هایی داریم که در ماشین موسیقی‌هایی گوش می‌دهند که فقط در دیسکوی توان شنید و در مقابل آدم‌هایی می‌بینیم که موسیقی‌های به‌شدت غمگین گوش می‌دهند.

تایه حال شده ارزش‌های شخصی‌تان با کسب درآمد از این صنعت تداخل پیدا کند؟ مثلاً به ایندینا موسیقی اثر منفی بر جامعه بگذارد اما آن را تولید کنید؟

ستاره‌سازی برای شما یک اتفاق محسوب می‌شود

هندزفری؟

هوا سیاست با موسیقی



نبود بی شک می‌شد رابطه ما با گشت‌زدن در تلگرام و اینستاگرام با مفهوم لهو بررسی کرد که آیا گشت‌زدن بیهوده و لهو و از روی سرگرمی؛ لهو و در نتیجه حرام است یا خیر؟ امام (ره) معتقدند که در ابتدای امر چندان مهم نیست خواننده چه می‌خواند، چه متن‌های سخیف بخواوند و چه زیارت عاشورا. چه حامد زمانی بخواند چه حامد و غنا باشد، حرام است. در یک کلام اگر بخواهیم بدانیم چرا دین با هر نوع موسیقی موافق نیست و علماً برخی از آنها را حرام می‌دانند، امام (ره) در جواب می‌فرمایند: «موسیقی از اموری است که البته هر کسی بر حسب طبع خوشش می‌آید لکن از اموری است که انسان را از حدیث بیرون می‌برد و به یک مطلب هزل می‌کشد. دیگر یک جوان که عادت کرده روزی چند ساعت با موسیقی سروکار داشته باشد و اکثر اوقاتش را صرف بکند و پای موسیقی بنشیند و اینها از مسائل زندگی و از مسائل جدی به‌طور کلی غافل می‌شود، عادت می‌کند همان‌طور که به مواد مخدر عادت می‌کند، دیگر نمی‌تواند یک انسان جدی باشد که بتواند در مسائل سیاسی فکر کند، فکر انسان را موسیقی طوری بار می‌آورد که دیگر انسان نتواند در غیر همان محیط مربوط به شهوت و موسیقی، فکر کند.» بنابراین در یک کلام می‌توان گفت موسیقی اگر خاصیت تخدیری داشته باشد و در شنونده‌اش که ما باشیم حالت طرب، خلسه و فراموشی و افعیات جامعه را ایجاد کند، بی شک حرام است. این نه نگاه امام (ره) که نگاه اسلام به موسیقی و همچنین سایر هنرهاست. اما بازگردیم به سوال اول و اینکه چرا امام (ره) موسیقی را بعد از انقلاب حلال کرد؟ پاسخ اینجاست که ماهیت موسیقی در آن زمان مشخص بود، پدیده‌ای برای تخدیر و به خلسه بردن انسان‌ها، اتفاقی که همواره شاهان و حکومت‌ها بر آن تأکید داشتند. مردمی که همواره در تخدیر باشند و مانند معتادان همواره دنبال چیزی برای به خلسه رفتن باشند، بی شک دیگر نه حواس‌شان به ظلم‌هایی است که به‌مردم می‌رود نه دغدغه‌ای برای اصلاح جامعه خودشان دارند. برای حکومت‌ها چه آسان بود که با اندکی خرج مردم‌شان در خلسه زندگی کنند و آنها نیز کار خود را بی مزاحمت

شکایت کنیم اما چون تعدادشان خیلی زیاد است و در عین حال میزان بهره‌برداری از اثر خیلی اندک هست، شکایت اقدام به‌صرفه‌ای نیست. البته ثبت رأیت آثار می‌تواند در مواقعی که سوءاستفاده به‌صورت گسترده اتفاق بیفتد، به ما کمک کند.

عملکرد شما در موسیقی نشان داده که در هر عصر ذائقه موسیقایی ایرانی‌ها را به خوبی می‌شناسید. در دوره کنونی ذائقه موسیقایی ایرانی‌ها چگونه است؟ من به‌واسطه علاقه شخصی می‌وارد این کار شدم. برای همین هم بخش بزرگی از اتفاق‌هایی که در زندگی من افتاده به‌خاطر این کار بوده و عشق من نسبت به این کار باعث شده است سختی‌های آن را نادیده بگیرم. سال‌هاست جامعه‌شناسی می‌خوانم و سعی می‌کنم مردم جامعه خود را به‌خوبی بشناسم و از طریق آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی که در جامعه ما پدید آمده، تلاش دارم تا ذائقه و موسیقی مورد نیاز مردم را شناسم. من فکر می‌کنم که مردم ما به‌واسطه سوء مدیریت‌های عرصه موسیقی در سال‌های اخیر «گوش شنیداری» شان دچار یک بحران عمیق شده است. افراد بالای ۱۲ سال و کمتر از ۶۰ سال، افرادی هستند که خودشان انتخاب می‌کنند چه چیزی را به‌عنوان موسیقی بشنوند. من اسم این رده سنی را گذاشته‌ام: «گوش شنیداری جامعه».

در برهه‌ای دانشسراهای موسیقی تعطیل شد و بعد از آن به خاطر جنگ، گوش شنیداری جامعه به سمت حماسه رفت و بعد از جنگ هم به علت سوء مدیریت